

بهبود فضاهای جمعی مسکونی در جهت ارتقا پایداری اجتماعی: راهکارها و تدابیر طراحی در مجتمع‌های مسکونی *

اکرم فرخی‌راد**، منوچهر فروتن***

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۹/۱۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۱۱/۱۲

چکیده

با توجه به اینکه توسعه پایدار در دهه‌های اخیر یکی از اساسی‌ترین دغدغه‌های معماران و شهرسازان می‌باشد و پایداری اجتماعی نیز از ارکان حصول به این مهم بوده و با نظر به اینکه مسکن نقشی تعیین کننده در شکل‌گیری فرهنگ و هویت جامعه را داراست و در عین حال افزایش سکونت در آپارتمان و اقامت در مجتمع‌های مسکونی، توجه به عوامل توسعه پایدار در مجتمع‌های مسکونی امری ضروری است. این پژوهش با مطالعه پژوهش‌های حاضر در زمینه پایداری اجتماعی در سطح شهری، محلی و در نهایت مجتمع مسکونی ابتدا سعی در بررسی تعاریف مختلف پایداری اجتماعی از دیدگاه صاحب نظران و استخراج عوامل موثر، این پژوهش‌ها را همگرا کرده و در نهایت به دنبال ارائه راهکارهای طراحی جهت افزایش پایداری اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی می‌باشد. سعی شده تا با روش تئوری مینا و با توجه به کارکردهای مجتمع‌های مسکونی به ارایه راهکارهایی طراحی فضاهای جمعی در این محیط‌ها بپردازد. این راهکارها بر اساس شاخص‌های مکانی موثر بر ارتقاء پایداری اجتماعی در دو سطح راهبرد و تدبیر بررسی شده. مولفه‌های به دست آمده شامل امنیت، عدالت اجتماعی (مردم‌داری)، فعالیت‌پذیری (سرزندگی)، هویت‌مندی، انسجام فضایی کالبدی می‌باشد.

واژگان کلیدی

پایداری اجتماعی، مجتمع مسکونی، فضاهای جمعی

* مقاله‌ی مستخرج از پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد با عنوان «ارائه راهکارهای طراحی در فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی در راستای ارتقاء تعاملات اجتماعی»، که به راهنمایی جناب آقای دکتر منوچهر فروتن، در دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان در بهمن ۱۳۹۳ دفاع گردیده است.

nc.rad17@gmail.com

** کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، همدان، ایران.

*** استادیار گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، ایران.

مقدمه

در دو دهه اخیر، مفهوم پایداری اجتماعی به یکی از مدل‌های جدید توسعه در آمده و با ابعاد اجتماعی، اقتصادی، محیط زیستی و سیاسی توسعه ترکیب شده است. پایداری اجتماعی نظام اجتماعی به معنای ارتقاء کیفیت زندگی، توسعه منابع انسانی و خودکفایی اجتماعات محلی در مواجهه با چالش‌ها و مسائل درونی و واکنش به تغییرات بیرونی و مدیریت حفظ ارزش‌هاست (نسترن و هادیزاده زرگر، ۱۳۹۲). به طوری که برای اولین بار اتحادیه اروپا در لیسبون^۱ در سال ۲۰۰۰ مباحث اجتماعی را جزء جدایی‌ناپذیر مدل‌های توسعه تعریف کرد. در واقع توسعه پایدار در صورتی تحقق می‌یابد که هم پوشانی بین لایه‌های اکولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی ایجاد گردد. این بدان معناست که هریک از سیستم‌ها و زیر سیستم‌های اکولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی به حد مطلوبی از پایداری دست یابند تا بتوان در مورد پایداری به قضاوت پرداخت (پورمحمدی، ۱۳۸۸). روابط اجتماعی و بازتولید پایداری اجتماعی پیوندی ناگسستنی با یکدیگر دارند، پیوندی که ریشه در مفهوم نظری و تجلی عملی آن‌ها دارد (Bassani, 2007). پایداری اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی وضعیتی است که ساکنان از زندگی در خانه و مجتمع خود رضایت داشته باشند و از همسایگی با سایر ساکنان لذت برند تا سرمایه‌های اجتماعی حفظ شوند و درحقیقت وجود عرصه‌های گروهی همچون فیلتری است که روابط اجتماعی از هم گسسته را در شهرهای شلوغ امروزی تلطیف می‌کند. انسان خواهان مکان‌هایی است که آن‌ها را به هم پیوند داده و متحد گرداند از این رو خانه مضمونی اجتماعی نیز دارد. محدوده‌ی خانه محدود به دیوارهای واحد مسکونی نیست؛ بنابراین سکنی گزیدن در آن واحد یعنی تعلق خاطر یافتن به آن محیط مسکونی. در گذشته کوچه و یا فضای پیرامون خانه، حیاط دوم محسوب می‌شده و کودکان در آن اجازه‌ی بازی و سالخوردگان تعامل اجتماعی داشتند. این حضور باعث تعلق خاطر بیشتر در حفظ و نگهداری فضای جمعی می‌شد (پاکزاد، ۱۳۸۶). شخص رابطه فردی و اجتماعی خود را با فضا و عناصر و اجزای آن مشخص کرده و به استفاده از آنها می‌پردازد. به عبارت دیگر، فرهنگ، الگوهای رفتاری را به وجود می‌آورد و سپس الگوهای رفتاری تعیین کننده و بیان کننده چگونگی فعالیت‌هایی که در فضاهای شهری صورت می‌گیرند به دو عامل اساسی بستگی دارد: یکی عامل فرهنگ و دیگری عامل محیط (کالبدی-فضایی)، البته نحوه و میزان تاثیر این دو بر نحوه وقوع فعالیت‌ها، که همان رفتارها یا به عبارت صحیح تر الگوهای رفتاری است یکسان نیست (نوذری، ۱۳۸۹).

روش پژوهش

نوع پژوهش در این پروژه، تئوری مبنای می‌باشد و با مطالعه و بررسی عوامل و شرایط ایجاد پایداری اجتماعی در فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی، راهکارهای طراحی ارائه گردیده است. این پژوهش به صورت کیفی و با داده‌های کتابخانه‌ای مرتبط انجام شده است.

پیشینه‌ی پژوهش

ضرغامی و همکاران (۱۳۸۹) به بررسی اصول پایداری اجتماعی در مجتمع مسکونی به طور خاص در شهرهای ایرانی اسلامی پرداخته اند، این اصول هم در فضای داخلی و هم در مشاعات بررسی شده که مشخصاً راهکار طراحی جهت عملی شدن این اصول ارائه نشده است. مطالعات صورت گرفته توسط لقایی و محمدزاده تبتکانلو (۱۳۷۸)، ویلروبیلتی (2005)، ویلیامز و همکاران (2008) نشان دهنده دست یابی به شکلی از پایداری شهری، با استفاده از روش‌ها و استراتژی‌های مربوط به پایداری اجتماعی است. پلسه و استرن (2000) پایداری اجتماعی را توسعه‌ی محیطی که هدایت گر زندگی جمعی همساز با گروه‌های مختلف فرهنگی اجتماعی بوده و با بهبود کیفیت زندگی تمام اقصاء جامعه یکپارچگی اجتماعی را تقویت کند تعریف نموده و بر زندگی جمعی شهری تاکید می‌ورزند. دمپسی^۲ و همکاران (2012) در پژوهشی تحت عنوان «کلید توسعه شهری پایدار در شهرهای انگلستان، تاثیر تراکم بر پایداری اجتماعی» به ارتباط بین عناصر شکلی شهری (مانند تراکم) و پایداری پرداخته‌اند. مشکینی و همکاران (۱۳۹۲) در «تحلیل فضایی سنجش پایداری اجتماعی شهری، مناطق ۲۲ گانه تهران» با بهره‌گیری از شاخص پایداری اجتماعی و استفاده از ۷ شاخص کلی پایداری اجتماعی در قالب شاخص‌های جمعیتی و اجتماعی، اقتصادی، سرمایه اجتماعی، عدالت اجتماعی، سلامت، عوامل کالبدی و شاخص امنیتی، به بررسی و تحلیل وضعیت نابسامان پایداری اجتماعی در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران پرداخته‌اند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که برخی مناطق به لحاظ پایداری اجتماعی شرایط مناسب تری نسبت به دیگر مناطق شهر تهران داراست.

مفهوم پایداری اجتماعی

پایداری اجتماعی را می‌توان به سطح مطلوب از زندگی سالم و توأم با بهره برداری صحیح از طبیعت و به عنوان یکی از اضلاع مثلث پایداری برقرارکننده تعادل در پایداری جوامع انسانی، با هدف کاهش شکافها، آسیبها و تعارضات اجتماعی، در کنار توجه به خواسته‌های نسل آینده با مدیریت مصرف منابع طبیعی و توزیع متوازن اقتصادی (شفیعا و شفیعیا، ۱۳۹۱). در تعریف پایداری اجتماعی گروهی از محققان به چهار عنصر اصلی و تعیین کننده اشاره کرده اند: عدالت اجتماعی، همبستگی اجتماعی، مشارکت و امنیت. در این معنا مولفه هایی چون فرصت‌های برابر و توأم با پیشرفت برای تمامی انسان ها، زندگی همراه با تعاون و همکاری، فرصت‌های برابر برای تمامی افراد در جهت ایفای نقش‌های اجتماعی به همراه امنیت امرار معاش و ایمنی سکونتگاه‌های انسانی در برابر مخاطرات طبیعی، مبنای سنجش پایداری اجتماعی قرار گرفته اند (پورطاهری، زال، و رکن الدین افتخاری، ۱۳۸۸).

تعریف پایداری اجتماعی	نظریه پرداز
دسترسی (اشتغال، فضای باز، خدمات محلی) سرمایه اجتماعی (شامل عینی و ذهنی)، توزیع عادلانه اشتغال و درآمد، مشارکت محلی، میراث فرهنگی، آموزش و مسکن، ثبات جامعه و ارتباط و حرکت (عابر پیاده، حمل و نقل مناسب)، عدالت اجتماعی (درون و بیرون نسلی) حس مکان و تعلق	Weingaertner and Moberg, 2011
- پایداری اجتماعی را همان کیفیت جوامع ^۳ و ماهیت روابط اجتماعی که به نوعی نشان دهنده روابط درونی جامعه است می‌داند.	(Littig & Griebler, 2005)
توسعه و یا رشدی که با سیر تکامل جامعه مدنی سازگار باشد و محیطی را پرورش دهد که برای زندگی مشترک سازگار گروه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی سودمند باشد و همزمان اتحاد اجتماعی را با پیشرفت در کیفیت زندگی همه بخش‌های جامعه ارتقاء دهد	(Polese & Stren, 2000)
یک تعریف قوی از پایداری اجتماعی باید بر پایه ارزشهایی از برابری و دموکراسی باشد؛ این بدین معناست که باید به لحاظ حقوقی، سیاسی، مدنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر کیفیت جوامع اثر بگذارد	(sachs, 1999)
تجزیه و تحلیل‌های "کولانتونیو" نشان می‌دهد پایداری اجتماعی ترکیبی از اصول سنتی اجتماعی، از قبیل نیازهای اولیه و اساسی (مسکن و بهداشت)، اشتغال و آموزش، برابری و عدالت اجتماعی و مفاهیم جدیدی که کمتر نیز قابل اندازه گیری هستند مانند: هویت، حس مکان، خوشبختی، رفاه و کیفیت زندگی است	(Colantonio, 2008)
مفهوم اصلی پایداری اجتماعی یک روند عادلانه است و آن ایجاد یک جهان است که منصفانه منجر به تلاش صادقانه برای رسیدن به پایداری می‌شود	(stuber & Xiang, 2010)
پایداری اجتماعی حاصل می‌شود اگر کار در جامعه و آرایش اداری مرتبط که پاسخگوی طیف وسیعی از نیازهای انسانی می‌باشد به نحوی شکل گرفته باشد که طبیعت و توانایی‌های بالقوه آن در بلند مدت حفاظت شوند و ادعاهای معمولی در مورد عدالت اجتماعی، شان انسانی و مشارکت پاسخ داده شده باشد	(Griebler & Litting, 2005)
از نظر بیارت هدف پایداری مشخص کردن نیازهای اجتماعی حداقلی برای توسعه بلند مدت است (که برخی مواقع از آن به عنوان سرمایه اجتماعی بحرانی نام برده می‌شود) و مشخص کردن چالش‌های عملکردی جامعه در دراز مدت	(Biart)

جدول ۱، تعاریف پایداری اجتماعی از دیدگاه صاحب نظران، (منبع: نگارنده)

عوامل مؤثر بر پایداری اجتماعی:

به عقیده مکنزی پایداری اجتماعی بهبود شرایط زندگی در جوامع و روند رسیدن جوامع به شرایط زیر است، بر اساس این تعریف از پایداری اجتماعی شاخص‌های زیر قابل استنتاج می‌باشد (Mckenzie, 2004)

- ۱- برابری دسترسی به خدمات اساسی (از جمله بهداشت و درمان، آموزش و پرورش، حمل و نقل، مسکن و تفریح)
- ۲- عدالت بین نسل‌ها، به این معنی است که نسل‌های آینده متضرر فعالیت‌های نسل فعلی نخواهد بود
- ۳- سیستم روابط فرهنگی ست که در آن جنبه‌های مثبت نامتجانس فرهنگ‌ها و ارزش‌ها، محافظت می‌شود و در آن ادغام فرهنگی، هنگامی که مورد نظر افراد و گروه‌هاست حمایت و ترویج می‌شود.
- ۴- مشارکت سیاسی گسترده شهروندان در نظر گرفته شود، نه تنها در شیوه‌ی انتخاباتی بلکه در زمینه‌های دیگر از فعالیت‌های سیاسی، به ویژه در سطح محلی

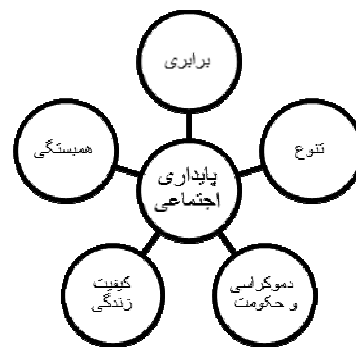
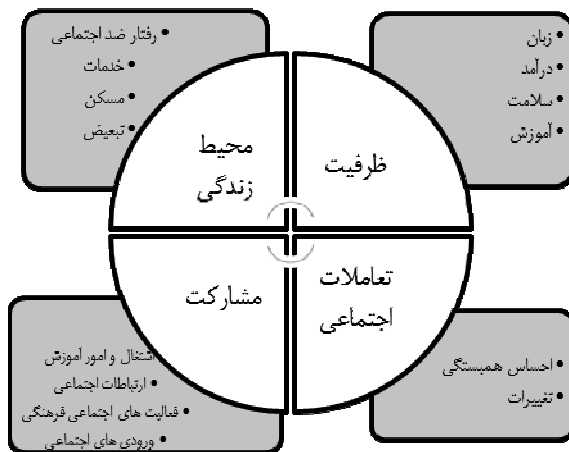
- ۵- یک سیستم برای انتقال آگاهی از پایداری اجتماعی از نسلی به نسل دیگر
- ۶- احساس مسئولیت جامعه برای حفظ این سیستم انتقال (انتقال آگاهی از پایداری اجتماعی از نسلی به نسل دیگر)
- ۷- مکانیزم جامعه برای شناسایی مجموعه نقاط قوت و ضعف
- ۸- مکانیزم جامعه برای رفع نیازهای خاص خود؛ که از طریق اقدام جامعه امکان پذیر است

۹- مکانیزم جامعه برای حمایت سیاسی برای مواجهه با نیازهایی که از طریق جامعه امکان نمی‌پذیرد

پایداری اجتماعی یک شرایط مثبت مشخص شده توسط یک حس قوی انسجام اجتماعی و برابری دسترسی به خدمات اساسی است (از جمله بهداشت، آموزش، حمل و نقل، مسکن و تفریح). بنابراین پایداری اجتماعی زمانی رخ می‌دهد که فرآیندهای رسمی و غیررسمی، سیستم‌ها، ساختارها و روابط به طور فعال از ظرفیت نسل‌های فعلی و آینده، برای ایجاد جوامع سالم و قابل زیست حمایت کنند. جوامع پایدار اجتماعی، عادلانه، متنوع، متحد، دموکراتیک و با کیفیت خوب زندگی است (McKenzie, 2004).

هودسن^۴ پایداری اجتماعی را شامل ۵ اصل می‌داند (نمودار ۱)، در حالی که کولاتونو شاخص‌های اجتماعی را به صورت شکل شماره ۱ مطرح می‌کند. تمامی مطالعاتی که در خصوص تعیین شاخص‌های پایداری اجتماعی انجام پذیرفته اند، تحت دو سرفصل شاخص‌های عینی و شاخص‌های ذهنی طبقه بندی شده اند (Oman, Spangenberg, & Joachim H, 2002). برای ایجاد پایداری اجتماعی دو دسته از منابع وجود دارد، دسته اول عوامل زیست محیطی و اقتصادی و دسته دوم ظرفیت‌های فردی و اجتماعی است (بذرافکن و گچکوب، ۱۳۹۰).

دسته اول بیان می‌دارد که پایداری اجتماعی نه تنها خود را ترویج می‌دهد و به رسمیت می‌شناسد، بلکه طرفدار اهمیت پایداری از هر دو لحاظ اقتصادی و سازگار با محیط زیست نیز می‌باشد و این خود نشان دهنده این است که این سه اصل همزمان پایداری باید همزمان رخ دهد تا پایداری اجتماعی ایجاد گردد. پایداری اجتماعی جامعه تلاشی است برای ایجاد یک اقتصاد کارآمد و سازگار با محیط زیست (Sinclair & St-Maurice, 2009)



نمودار (۱) اصول پایداری اجتماعی، منبع: (Hodgson, 2010) (نمودار ۲) شاخص‌های پایداری اجتماعی، منبع: (colantonio, 2009)

دسته دوم از منابع به ظرفیت فردی که افراد خودشان می‌توانند به رفاه خود و جامعه به عنوان کل کمک کنند اشاره دارد این قبیل منابع شامل آموزش، مهارت ها، سلامت، ارزش‌ها و ... می باشد. ظرفیت‌های اجتماعی هم شامل روابط، شبکه‌ها و هنجارهایی است که اقدامات جمعی را تسهیل کرده و کیفیت زندگی را بهبود می‌بخشند که باید اطمینان حاصل گردد که این بهبود پایدار است. برای موثر بودن پایداری هر دو منابع فردی و اجتماعی نیاز است؛ بنابراین پایداری اجتماعی را میتوان متشکل از سه مولفه دانست: ۱- نیازهای اساسی انسان ۲- ظرفیت‌های فردی یا انسانی ۳- ظرفیت‌های اجتماعی یا جامعه (بذرافکن و گچکوب، ۱۳۹۰).

جدول ۲، شاخص‌های عینی و ذهنی پایداری اجتماعی، منبع: (Oman, Spangenberg, & Joachim H, 2002)

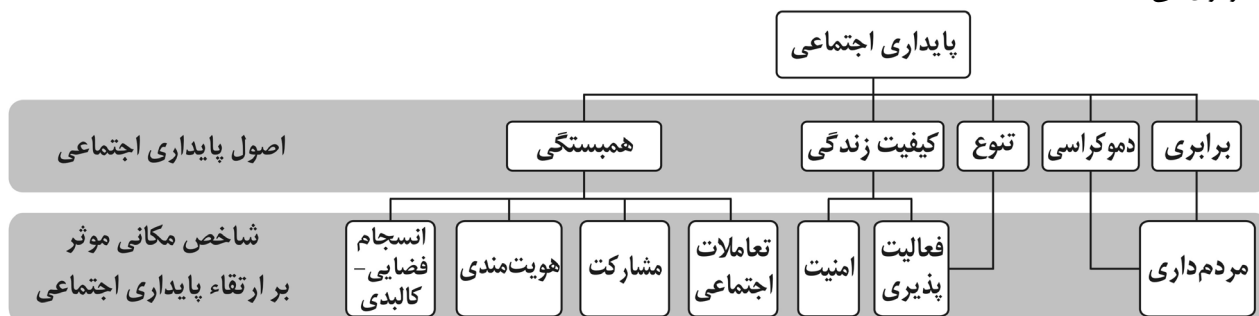
شاخص ذهنی	معیار	شاخص عینی	معیار
رضایت از زندگی عمومی	نیازهای اولیه	HPI-2 شاخص فقر انسانی برای کشورهای صنعتی (UNPD,2001) - درصد جمعیت با امید به زندگی بالاتر از ۶۰ سال - درصد افراد بیسواد - درصد فقر نسبی، یعنی درآمد کمتر از ۵۰٪ درآمد ملی - درصد بیکاران طولانی مدت	نیازهای اساسی
مشارکت مردم	فرصت‌های برابر	ضریب توزیع درآمد	فرصت‌های برابر
رضایت از مشارکت سیاسی	مشارکت	GEM: اندازه گیری توانمندسازی جنسیتی (UNPD,2001) - درصد زن در مجلس، رهبری دولت و مدیریت در علوم مهندسی - سهم زنان در کل درآمد کار	
فاقد شاخص کلیدی	پایداری انسانی	وزن رای دهندگان به حد مطلوب برسد و مشارکت در دیگر انواع مشارکت نهادینه شود	مشارکت
پشتیبانی از توسعه، حفظ زندگی فرهنگی به طور گسترده در تنوع کثرت گرایانه به وسیله فرهنگ، آموزش و پژوهش	تنوع فرهنگی	نرخ بیکاری بلند مدت، نرخ بیکاری توسعه یافته	حفاظت انسانی

جدول ۳، شاخص‌های پایداری اجتماعی موثر در مجتمع‌های مسکونی، منبع: نگارنده

شاخص	نظریه پردازان
مشارکت اجتماعی	SSN (2007), (Bahreyn & Maknoon, 2001), Rio Manifest, Laghaei & Mohammadzadeh (1999), Stubbs (2004), Jenks & Jones (2010), Thin, Lockhart and Yaron (2002); DFID (2002), (Bramley, Dempsey, Power, & Brown, 2006) Oman, spangenberg (2002), Gates & Lee (2005), John Glasson, Graham Wood (2009), Weingaertner and Moberg, (2011), Litting & Griebler (2005)
انسجام اجتماعی	BNIA (2005), Urban Ecology Colantonio (1999), Ghaffari & omidi (1388), Rafiyan et al (1388), Hatami nezhad et al (1388), Navabakhsh & Arjmand siyahpooosh (1388)
عدالت اجتماعی	Thin, Lockhart and Yaron (2002); DFID (2002), Stephen Mckenzie (2004), Murphy (2012), Chambers & Conway (1992), Sachs (1999), Hans-Bockler-Stiftung (2001), Weingaertner and Moberg, (2011), (Littig & Griebler, 2005)

Thin, Lockhart and Yaron 2002; DFID (2002), Murphy (2012)	همبستگی اجتماعی
Thin, Lockhart and Yaron (2002); DFID (2002), (Bramley, Dempsey, Power, & Brown, 2006), Hans-Böckler-Stiftung (2001), John Glasson, Graham Wood (2009), Jozsa & Brown (2005), Ghaffari & Omid (1388)	امنیت
(Bramley, Dempsey, Power, & Brown, 2006), John Glasson, Graham Wood (2009)	تعاملات اجتماعی در جامعه
(Bramley, Dempsey, Power, & Brown, 2006), John Glasson, Graham Wood (2009), Weingaertner and Moberg (2011)	حس مکان

عوامل موثر در توسعه پایدار ۲۰ شاخص مکانی موثر بر ارتقاء پایداری اجتماعی است که به کمک روش «تحلیل عامل» در پنج عامل دسته بندی شده‌اند. به این ترتیب شاخص‌های امنیت، ایمنی و حریم تحت عامل «امنیت»، شاخص‌های دسترسی پذیری، تنوع فعالیت، اختلاط کاربری، وجود تسهیلات و زیر ساخت‌ها و وجود بازار و بازارچه‌های محلی، تحت عامل «فعالیت پذیری»، شاخص‌های حفظ هویت، حس تعلق به مکان، تصویر روشن ذهنی و حفظ ویژگی‌های بومی / محلی و محله محوری، تحت عامل «هویت مندی»، شاخص‌های حق انتخاب برای مردم در فضاهای شهری، وجود شرایط عادلانه برای گروه‌های مختلف اجتماعی و مقیاس انسانی تحت عامل «مردمداری» و در نهایت، شاخص‌های پیوستگی کالبدی، سلسله مراتب فضایی و تراکم طبقاتی تحت عامل «انسجام فضایی - کالبدی» به عنوان شاخص‌های مکانی موثر بر پایداری اجتماعی در بازآفرینی بافت فرسوده شهری شناسایی شدند (روستا، ۱۳۹۳). در این تقسیم بندی با تطابق اصول بیان شده توسط هودسن که شامل ۵ شاخص برای پایداری اجتماعی می باشد، و با توجه به شاخص‌های مکانی موثر در پایداری اجتماعی که توسط روستا بررسی شده نمودار پایین استخراج شده. عامل امنیت و تنوع فعالیت (فعالیت پذیری وجود تسهیلات و زیر ساخت‌ها) در شاخص کیفیت زندگی قرار گرفته، تنوع فعالیتی موجب سرزندگی و سرزندگی نیز از زیر شاخص های موثر در کیفیت زندگی محسوب می شود. عامل هویت مندی و انسجام فضایی، تعاملات اجتماعی و مشارکت اجتماعی عوامل مهم جهت ایجاد همبستگی محسوب می شوند و عامل مردمداری در اصول پایداری اجتماعی با عنوان عدالت اجتماعی برابری می کند.



نمودار ۳، تطبیق اصول بیان شده پایداری اجتماعی توسط هودسن و شاخص مکانی موثر بر ارتقاء پایداری اجتماعی، منبع: نگارنده

چگونگی عرصه‌های گروهی مجتمع‌های مسکونی و گسترش روابط اجتماعی: عرصه‌های گروهی و فضاهای مشترک موجود در آپارتمانها و مجتمع‌های مسکونی، محلی برای تحقق عینیت یافته روابط اجتماعی است. کیفیت چنین فضاهایی از اهمیت ویژه ای برخوردار است و نیازهای طراحی این گونه تنها به برطرف کردن یک سری وظایف و کارکردهای خاص محدود نمی شود. چنین محیط‌هایی به دلیل تامین به عزت نفس، احترام و زیبایی از طریق پیام‌های نمادین، شان اجتماعی، هویت، ارزشها و بسیاری موارد دیگر نیز واجد اهمیت هستند. عرصه‌های گروهی فرآیندهای اجتماعی را متاثر می‌سازند و بدون شناخت رفتار و توصیف چگونگی پاسخ گویی محیط به این رفتارها، نمی توان طراحی را در نظر گرفت. مقصود طراحی چنین فضاهایی موفقیت در شرکت دادن افراد در

حیات جمعی و اجتماع پذیری: حیات جمعی فرصتی جهت رها شدن از تنش‌های روزمره، گذراندن اوقات فراغت، تعاملات اجتماعی و گردهم آبی افراد و گروه‌های مختلف و بستری برای حضور، آزادی بیان و ابراز آنها در فضا است. حیات جمعی در فضاهای باز عمومی در گرو ترویج تعاملات اجتماعی (Sennette, 1974) جذب افراد و گروه‌های مختلف، امنیت اجتماعی و در نتیجه ترغیب به افزایش تحمل گروه‌های مختلف در فضا، جامعه پذیری بیشتر (Markus, 1998) و ایجاد فضایی فعال و سرزنده است.

فعالیت پذیری:

محیط از سلسله مراتبی از قرارگاه‌های رفتاری تشکیل می‌شود که در پیوند با هم، نظام‌های فعالیت را به وجود می‌آورند. نظام‌های فعالیت، بازتاب انگیزش‌ها، نگرش‌ها و دانش (تصورات مردم نسبت به جهان) در محدوده منافع، شایستگی‌ها و هنجارهای فرهنگی آن هاست (لنگ، ۱۳۸۶). ماهیت و چگونگی فعالیت در فضاهای عمومی به دو عامل عمده و اساسی بستگی دارد: عامل فرهنگی و عامل محیطی (کالبدی، فضایی) (پورجعفر و محمودی نژاد، ۱۳۸۸) هرگاه نظم فضایی، فعالیت‌ها و مفاهیم باهم سازگار باشند یکدیگر را تقویت کنند، رابطه اجتماعی در فضا دارای مفهوم خواهد بود. راپاپورت^۵ برای تبیین رابطه متقابل فعالیت‌ها و دریافت‌های ساکنان، واژه «محیط حامی» را به کار برده است. محیط‌های طراحی شده نمی‌توانند موجب رفتارها و روابط متقابل اجتماعی شوند، ولی می‌توانند نسبت به آنها خنثی، بازدارند یا حامی باشند. در مجموعه‌های مسکونی، روند حمایت محیط، از انتخاب محل زندگی آغاز می‌شود و از طریق نشانه‌های موجود در محیط انسان ساخت (عناصر ثابت)، چیدمان محیط (عناصر نیمه ثابت)، رفتارهای مردم در محیط (عناصر غیرثابت) تداوم می‌یابد. این نشانه‌ها تعیین کننده رفتارها نیستند ولی با کارکردهای ذهنی، رفتارهای انسان را تحت تاثیر قرار می‌دهد. بنابراین میان فعالیت‌ها و محیط‌های حامی، در زمینه ویژگی‌های ابزاری، معانی و تعلقات محیطی، رابطه‌ای متقابل و درونی وجود دارد. وجود فضاهای مناسب همراه با امکانات مطلوب در شکل‌گیری این قبیل فعالیت‌ها نقش مهمی دارد. این فضاها موجب تقویت تماس‌های اجتماعی افراد و تامین نیازهای روانی آنان می‌شود. طبق نظر گل^۶، بهترین مکان‌های عمومی طراحی شده، فضاهای هستند که به طور موفقیت آمیزی مشوق فعالیت‌های اختیاری و اجتماعی باشند. بررسی فعالیت‌هایی که در محوطه‌های جلوی درها صورت می‌گیرد، نشان می‌دهد که در بسیاری موارد چنین ترکیب ماهرانه‌ای، مانند فعالیت باغبانی، بهانه‌ای برای بیرون بودن به دست می‌دهد. در یک محیط خوب و کاملاً متفاوت، طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های انسانی امکان تحقق می‌یابد.

فعالیت‌های اجتماعی در بر گیرنده‌ی انهایی است که بیش از هر چیز وابسته به حضور دیگران در فضای عمومی است. هر کجا فعالیت‌های ضروری و انتخابی در فضاهای عمومی دارای شرایط بهتری باشند، فعالیت‌های اجتماعی مورد حمایت قرار می‌گیرند (گل، ۱۳۸۹). مکان‌های اجتماعی مردمی آنهایی می‌باشند که فضای راحت نشستن، نور خوب و ملاقات با مردم دیگر را امکان‌پذیر می‌سازند و مکان‌هایی برای فعالیت در آنها وجود داشته باشد مثل دکه اغذیه فروشی. محیط‌های بازی که فاقد چنین مکان‌هایی باشند تبدیل به مکان‌هایی مرده می‌شوند.

مدنی پور (۱۹۹۶) اذعان می‌کند که «فضای باز نقش مهمی به عنوان مکان ملاقات در فعالیت‌های اجتماعی بازی می‌کند». فضاهای عمومی و نیمه عمومی مناسب می‌توانند سهم بزرگی در فعالیت‌های اجتماعی افراد داشته باشند. فعالیت‌های اجتماعی «همه فعالیت‌هایی هستند که به حضور دیگران در فضاهای عمومی بستگی دارند». کیفیت مناسب فضاهای بیرونی می‌تواند مردم را به این فعالیت‌ها تشویق کند. فعالیت‌های اجتماعی شامل تماس‌های فیزیکی و تماس‌های منفعل است. تماس‌های فیزیکی مانند بازی بچه‌ها و گفتگو با دیگران و تماس‌های منفعل مانند تماشا کردن و گوش سپردن به دیگران. جانگ^۷ (2009) دسته‌بندی دیگری از فعالیت‌ها را بر اساس این مفهوم‌ها پیشنهاد داده است، زیرا تشخیص فعالیت‌های اختیاری و فعالیت‌های منفعل بسیار دشوار است.

بنابراین دسته بندی دیگری ارائه می‌دهد که شامل فعالیت‌های فرایندی، اجتماعی و انتقالی است. فعالیت فرایندی شامل فعالیت بین دو فعالیت با هدف کاملاً مشخص است، مثلاً یک فرد با ترک محل کارش و با هدف رفتن به خانه باید از میان فضای بیرون خانه اش حداقل دوبار عبور کند. این نوع از فعالیت‌ها ضروری اند و بیشتر مردم کوتاهترین راه را برای این فعالیت‌ها و بدون توقف انتخاب می‌کنند. فعالیت‌های اجتماعی هنگامی رخ می‌دهند که افراد مشارکت کننده در فعالیت بیش از یک نفر باشند. تعاملات با دیگر افراد از قبیل گفتگو یا بازی کردن شامل این فعالیت هاست؛ فعالیت‌های انتقالی، فعالیت‌هایی است که مردم بدون هدف مشخص و مشهود انجام می‌دهند مانند ایستادن، قدم زدن و نشستن.

بررسی فعالیت‌هایی که در محوطه‌های جلوی درها صورت می‌گیرد، نشان می‌دهد که در بسیاری موارد چنین ترکیب ماهرانه‌ای، مانند فعالیت باغبانی، بهانه‌ای برای بیرون بودن به دست می‌دهد. باید خاطرنشان کرد که بسیاری از مردم - نه فقط ساکنین مسترمان

بیشتری را صرف باغبانی می‌کنند که آن قدرها هم ربطی به اهداف مربوط به گل و گل‌کاری ندارد. این مطلب نشان می‌دهد که در فضاهای عمومی در مناطق مسکونی تنها فرصت قدم زدن و نشستن نیست که وجود دارد؛ بلکه امکان عمل کردن، کاری برای انجام دادن و فعالیتی برای درگیر شدن با آن نیز وجود دارد. هنگامی که هوا برای بیرونرفتن خوب و دلپذیر باشد، باغ و باغچه فعالیتی پر معناست؛ کاری برای انجام دادن. اگر این باغ جایی باشد که مردم رفت و آمد دارند یا اینکه چشم انداز خوبی به دیگر فعالیت‌ها داشته باشد، کار در باغ با دیگر فعالیت‌های تفریحی و اجتماعی ترکیب می‌شود؛ مفید با فرح بخش تلفیق می‌شود (گهل، ۱۳۹۲).



نمودار ۳. انواع فعالیت‌ها در فضای جمعی بر اساس نظر گهل (۱۳۹۲)

نفوذ پذیری فضای جمعی (ایجاد انگیزش):

فضاهای عمومی در شهر و نواحی مسکونی می‌توانند دعوت‌کننده و دسترس‌پذیر باشند و مردم و فعالیت‌ها را از محیط خصوصی به محیط عمومی بکشانند. همان‌گونه که بچه‌ها از زمین بازی به عنوان مکانی استفاده می‌کنند که به آنجا بروند و از امکانات آنجا بهره ببرند، توانایی دیدن آنچه در فضاهای عمومی در حال انجام است نیز جزء دیگری از کشش فضا (گهل، ۱۳۹۲). اگر مردم فضایی را نبینند از آن هم استفاده نمی‌کنند (وایت، ۱۳۹۲) انتقال تدریجی از فضاهای عمومی به خصوصی، به مشارکت مردم در فعالیت و داشتن ارتباط نزدیک با زندگی و رویدادهای فضای عمومی کمک می‌کند. در عین حال دیدن جمعی از افراد خود انگیزه‌ای جهت حضور افراد بیشتر است. وقتی یک فضا شروع به پر شدن می‌کند، مردم به طور یکنواخت در آن پخش نمی‌شوند، آن‌ها جایی می‌روند که دیگران هستند (وایت، ۱۳۹۲). یکی از عوامل مهم شکل‌گیری کارکرد مرکزی مکان‌ها، قرار گرفتن یا نگرفتن در مسیر فعالیت‌های روزمره است. این مکان‌ها در صورتی خوشایند هستند که استراحت و آسایش را تأمین کنند و امکان مشاهده‌ی افراد دیگر فراهم آورند. چنین مکان‌هایی قلمروهایی عمومی یا نیمه عمومی هستند که با موانع نمادین به روشنی از یکدیگر تفکیک می‌شوند وظایف این عرصه‌ها را می‌توان چنین بیان کرد: ابزاری در جهت ارتباطات و مراودات شبکه‌های اجتماعی، مکانی برای رویارویی و مراسمات، مدیریت و هماهنگ‌سازی فعالیت‌های همسایگی (پورجعفر و محمودی نژاد، ۱۳۸۸) ارتباط معناداری بین جریان حرکتی جمعیت و استفاده از مکان نشستن وجود دارد. یان گهل در مطالعه خود از شهر کپنهاگ در محور پیاده، تعداد افراد نشسته یک تابع ثابت از افراد ایستاده یا در حال رفتن بود (وایت، ۱۳۹۲). «سیولک می‌نویسد: اکثر مردم برای تعاملات اجتماعی خود مکانی را در جریان عبورومرور یا درمحل تلاقی راه با میدان کوچک انتخاب می‌کنند، بنابراین تعداد کمی از مردم مکان‌های بدون عبورومرور را انتخاب می‌کنند». رویت مردم در حال انجام فعالیت‌های اجتماعی نیز عاملی جهت حضور و ایجاد انگیزش توسط سایرین است.

تدوین راهکارهای طراحی:

با بررسی و شناسایی کیفیت‌های کالبدی موثر در مجتمع مسکونی، و شرایط شکل‌گیری و تقویت این عوامل بر اساس تاثیرگذاری در پایداری اجتماعی می‌باشد. با توجه به این که فعالیت‌هایی که در مجتمع مسکونی توسط ساکنین شکل می‌گیرد شامل فعالیت‌های ضروری، اختیاری و اجباری است بنابراین هدف تقویت فعالیت‌های اجتماعی و اختیاری است. توجه به شرایط اقلیمی و پیش‌بینی کالبد متناسب که امکان شکل‌گیری فعالیت‌ها را در تمام فصول سال تأمین کند، بررسی نیازهای سن و جنس و در عین حال توجه به زمان بهره‌گیری و حضور در فضا توسط سنین و جنسیت‌های مختلف در طول شبانه‌روز و رغبت به حضور ساکنین در فضای جمعی ضروری است. ایجاد انگیزش توسط قرارگیری فضای فعالیت اجتماعی و اختیاری در مجاورت فعالیت‌های ضروری و در معرض دید قرار گرفتن

فعالیت‌های اجتماعی و اختیاری عاملی قابل توجه می‌باشد؛ چراکه در مجتمع مسکونی فضای جمعی (باز، بسته، نیمه باز) فضایی قابل ملاحظه است و افراد برای انجام برخی فعالیت‌های ضروری ناگزیر به حضور در فضای جمعی هستند. بنابراین مکان یابی مناسب این فضاها راهکاری موثر تلقی می‌شود، به طور مثال قرارگیری فضای بازی کودک، در مجاورت فضای نشستن، فضای ورزش و ... خود انگیزشی جهت مشارکت بزرگسالان محسوب می‌شود. در عین حال تعریف فعالیت‌های اجتماعی جدید کمک کننده می‌باشد. همانطور که اختصاص یک انباری به تک تک واحدها امری بدیهی تلقی می‌شود می‌توان فضاهایی را برای گلکاری و باغچه‌هایی برای هر واحد اختصاص یابد که مجاورت مکانی این باغچه‌ها عامل انگیزش تاثیر گذار خواهد بود. علاوه بر این پیش بینی فضاهای جمعی به صورت انعطاف پذیر که در زمان‌های مناسب به فراخور زمان قابل استفاده باشند، مانند اختصاص فضایی برای مراسم مذهبی، فضایی برای برگزاری جلسات مجتمع، فعالیت فرهنگی و.. قابل توجه می‌باشد. وجود امکانات مناسب جهت انجام فعالیت‌ها از جمله مبلمان مناسب با توجه شرایط آسایش، توجه به ابعاد انسانی، تامین روشنایی، تامین امکانات برای ساکنین با شرایط خاص (معلولان) و سالمندان ضروری است. بهره گیری تمامی ساکنین به صورت یکسان به نحوی که همه حق یکسان در برخوردارگی از امکانات موجود را دارا باشند. در عین حال قرارگیری امکانات، تسهیلات و فعالیت‌ها به صورت یکسان تامین کننده عامل عدالت اجتماعی ست. تامین روشنایی شبانه در فضای تقسیم واحدها، فضای باز و نیمه باز جمعی و عدم وجود نقاط کور در مجتمع از عوامل تاثیرگذار در تامین امنیت هستند و همچنین حضور مردم و عامل نظارت طبیعی خود امنیت مجتمع را تقویت می‌کند. تامین هویت کالبدی و هویت محتوایی نیز عامل مهمی در جهت حفظ حس تعلق ساکنین و افزایش حس مسئولیت ساکنین نسبت به مجتمع می‌باشد. عدم توجه به تعریف دقیق قلمروها در فضای جمعی مجتمع مسکونی می‌تواند سبب تشدید انزوا در بین ساکنان شود و تمایل به تعاملات اجتماعی و مشارکت اجتماعی در بین ساکنان کاهش می‌یابد. توجه به فرم و هندسه، تراکم واحدها و سلسله مراتب فضایی، کالبدی در مجتمع انسجام کالبدی فضایی را تامین می‌کند. در جدول زیر عوامل موثر شناسایی شده و راهکار مناسب جهت ایجاد هریک پیشنهاد شده است.

جدول ۴، پیشنهادات جهت ارتقا پایداری اجتماعی، منبع: نگارنده.

شاخص‌های مکانی مؤثر بر پایداری اجتماعی	راهبردهای طراحی	تدابیر طراحی
امنیت	<ul style="list-style-type: none"> - امنیت روانی و ایمنی - تعیین قلمروها (حریم‌ها) 	<ul style="list-style-type: none"> - اختصاص برخی فعالیت‌های جمعی در شب مانند گفتگو، جلسات ساختمان؛ - عدم تداخل سواره و پیاده در مسیر فعالیت‌های جمعی؛ - تامین روشنایی فضاها در شب؛ - امکان نظارت اجتماعی بر فضاهای جمعی؛
مردمداری (عدالت اجتماعی)	<ul style="list-style-type: none"> - دسترسی به خدمات - توجه به سرانه‌ها - وجود تسهیلات و زیرساخت‌ها 	<ul style="list-style-type: none"> - توزیع مناسب خدمات در مجتمع مسکونی و امکان دسترسی همه ساکنین به خدمات در طبقات همکف زیرزمین‌ها و بام و یا در مجاورت آسانسورها و پله‌ها؛ - توجه به سرانه‌های موجود و اختصاص فضاها و فعالیت‌ها با توجه به تعداد بهره برداران؛
فعالیت‌پذیری (سرزندگی)	<ul style="list-style-type: none"> - انعطاف‌پذیری - گوناگونی فعالیت‌ها و اختلاط کاربری - گوناگونی گروه‌های بهره‌بردار - نفوذپذیری - آسایش اقلیمی - دسترسی پذیری، - وجود تسهیلات و زیرساخت‌ها 	<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد فضاهای انعطاف‌پذیر برای فعالیت‌های گوناگون مانند اختصاص فضایی برای مراسم مذهبی، برای برگزاری جلسات مجتمع، فضای مطالعه سرپوشیده، فضای باغبانی و...؛ - پیش بینی فضاهای فعالیت برای نیازهای گروه‌های جنسی، سنی و توجه به سطح فرهنگی و اجتماعی ساکنین مانند فضای بازی کودک، فضای ورزش بزرگسالان، فضای مطالعه و نشستن برای سالمندان، فضای مناسب جهت حضور زنان؛ - تامین امکانات برای ساکنین با شرایط خاص (معلولان) و سالمندان؛ - در معرض دید قرار گرفتن فضاهای جمعی؛

<ul style="list-style-type: none"> - توجه به نیازهای اقلیمی در طراحی فضاهای فعالیت و طراحی فضاهای باز جمعی باز، بسته و نیمه باز جهت استفاده در فصول مختلف؛ - فضاهایی برای گلکاری و باغچه‌هایی برای هر واحد در حیاط؛ - امکان بهره‌گیری آسان از بالکن‌های و فضاهای نیمه باز خصوصی برای فضاهای سبز به صورت گلدان؛ - بهره‌بری از باغ‌بام؛ - ایجاد حداکثر فضاهای سبز در فضاهای جمعی باز - قرار دادن جریان حرکتی اصلیدر مجاورت یا از میان فضاهای جمعیت جهت برخوردی رو در رو بین ساکنین؛ - امکان نشستن در فضاهای جمعی به صورت «لبه‌های نشستن» که امکان تنظیم فاصله بین افراد وجود داشته باشد. - قرارگیری فضای بازی کودک، در مجاورت فضای نشستن، فضای ورزش؛ 	<ul style="list-style-type: none"> - حق انتخاب برای ساکنین در فضاهای جمعی، - شرایط عادلانه برای گروه‌های مختلف اجتماعی مقیاس انسانی - اجتماع پذیری 	
<ul style="list-style-type: none"> - توجه به هویت کالبدی بستر طراحی (مصالح، تراکم، فرم، هندسه)؛ - حفظ هویت محتوایی (سلسله مراتب فضایی فضاهای داخلی و خارجی، حس فضایی)؛ - بهره‌گیری از ویژگی‌های بومی منطقه در جهت حفظ هویت؛ - شکل‌گیری خاطرات جمعی در فضا با بهره‌گیری از عوامل مصنوعی و طبیعی واجد ارزش؛ 	<ul style="list-style-type: none"> - حس تعلق به مکان - تصویر روشن ذهنی - ویژگی‌های بومی/محلی 	هویت‌مندی
<ul style="list-style-type: none"> - تعیین قلمروها از طریق سلسله مراتب فضاهای عمومی تا خصوصی؛ - خوانایی فضاها؛ 	<ul style="list-style-type: none"> - پیوستگی کالبدی - سلسله مراتب فضایی - تراکم طبقاتی 	انسجام فضایی - کالبدی

نتیجه‌گیری

بررسی شاخص‌های پایداری اجتماعی پیرامون مجتمع‌های مسکونی، خود می‌تواند به ارتقاء سطح پایداری در جامعه کمک کند زیرا خانه کوچکترین واحد فرهنگ ساز و شاید بتوان گفت مهم‌ترین آن در جامعه می‌باشد. امروزه در مجتمع‌های مسکونی به دلیل تجمع تعداد زیادی از افراد و خانواده‌ها با سطوح فرهنگی و مالی و گاه قومیت‌های متفاوت، مدیریت روابط اجتماعی مثبت در بین ساکنین عاملی ضروری است. مطابق اصول بیان شده توسط هودسن که شامل ۵ شاخص همبستگی، برابری، تنوع، دموکراسی، کیفیت زندگی، برای پایداری اجتماعی می‌باشد، و با توجه به شاخص‌های مکانی موثر در پایداری اجتماعی عامل امنیت و تنوع فعالیتی (فعالیت پذیری وجود تسهیلات و زیر ساخت‌ها) در شاخص کیفیت زندگی قرار گرفته، تنوع فعالیتی موجب سرزندگی و سرزندگی نیز از زیر شاخص‌های موثر در کیفیت زندگی محسوب می‌شود. عامل هویت‌مندی و انسجام فضایی، تعاملات اجتماعی و مشارکت اجتماعی عوامل مهم جهت ایجاد همبستگی محسوب می‌شوند و عامل مردم‌مداری در اصول پایداری اجتماعی با عنوان عدالت اجتماعی برابری می‌کند. با توجه به عوامل موثر در شکل‌گیری هریک از شاخص‌ها و وضعیت کلی مجتمع‌های مسکونی راهکارهای مربوطه ارائه شده است. برای هر یک از شاخص‌های امنیت، عدالت اجتماعی، فعالیت پذیری، هویت‌مندی، انسجام کالبدی - فضایی راهبردهای طراحی به شرح زیر پیشنهاد می‌گردد:

- امنیت روانی و ایمنی، تعیین قلمروها (حریم‌ها)؛

- عدالت اجتماعی یا شاخص مردم‌مداری: دسترسی به خدمات، توجه به سرانه‌ها وجود، تامین تسهیلات و زیر ساخت‌ها؛

- **فعالیت پذیری یا سرزندگی:** انعطاف پذیری، گوناگونی فعالیتها و اختلاط کاربری، گوناگونی گروههای بهره‌بردار، نفوذپذیری، آسایش اقلیمی، دسترسی پذیری، وجود تسهیلات و زیر ساختها، حق انتخاب، برای ساکنین در فضاهای جمعی، شرایط عادلانه برای گروههای مختلف اجتماعی، مقیاس انسانی، اجتماع پذیری؛
- **هویت مندی:** توجه به هویت کالبدی بستر طراحی (مصالح، تراکم، فرم، هندسه)، حفظ هویت محتوایی (سلسله مراتب فضایی فضاهای داخلی و خارجی، حس فضایی)، بهره گیری از ویژگی های بومی منطقه در جهت حفظ هویت، -شکل گیری خاطرات جمعی در فضا با بهره گیری از عوامل مصنوعی و طبیعی واجد ارزش؛
- **انسجام کالبدی فضایی:** تعیین قلمروها از طریق سلسله مراتب فضاهای عمومی تا خصوصی، خوانایی فضاها؛

منابع

- بذرافکن، ک.، و گچکوب، م. (۱۳۹۰). بررسی نقش فضاهای عمومی در شکل گیری تعاملات اجتماعی به منظور ایجاد پایداری اجتماعی در شهرها. همایش ملی عمران، معماری، شهرسازی و مدیریت انرژی، (ص. ۴). اردستان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردستان.
- پاکزاد، ج. (۱۳۸۶). مبانی نظریه فرایند شهری. تهران: انتشارات شهیدی.
- پورجعفر، م.، و محمودی نژاد، ه. (۱۳۸۸). طراحی شهری و سرمایه اجتماعی در فضاهای شهری. تهران: انتشارات هله.
- پورطاهری، م.، زال، ا.، و رکن الدین افتخاری، ع. (۱۳۸۸). ارزیابی و اولویت بندی پایداری اجتماعی در مناطق روستایی: مطالعه موردی روستاهای شهرستان خرم بید استان فارس. فصلنامه روستا و توسعه، ۸.
- پورمحمدی، م. (۱۳۸۸). برنامه ریزی مسکن. تهران: انتشارات سمت.
- روستا، م. (۱۳۹۳). بازتعریف شاخص های مکانی موثر بر ارتقاء پایداری اجتماعی در بازآفرینی بافت های فرسوده شهری با رویکرد ایرانی-اسلامی. تهران: دانشگاه علم و صنعت.
- شفیعا، م.، و شفیعا، س. (۱۳۹۱). بررسی رابطه توسعه پایدار اجتماعی و سرمایه اجتماعی، نمونه موردی: ساکنان محله غیررسمی شمیران نو. نشریه جامعه شناسی کاربردی، شماره ۴۶، ۸.
- گل، ی. (۱۳۸۹). زندگی در فضای میان ساختمانها. تهران، مترجم شیما شصتی، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- لنگ، ج. (۱۳۸۶). آفرینش نظریه های معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط). ترجمه علیرضا عینی فر. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ چهارم.
- نسترن، م.، و هادیزاده زرگر، ص. (۱۳۹۲). سنجش پایداری اجتماعی در سطح محلات گوهردشت، دریادل و شاهد شهر مشهد. مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، شماره ۲۱، ۱۵۵-۱۴۰.
- نوذری، ش. (۱۳۸۹). راهنمایی طراحی برای فضاهای باز مسکونی. نشریه صفا، شماره ۱۴.
- وایت، و. (۱۳۹۲). زندگی اجتماعی فضاهای شهری کوچک. م. اسدی محل چالی در، زندگی اجتماعی فضاهای کوچک شهری. تهران: انتشارات آرمانشهر.

- Bahreyn, H., & Maknoon, r. (2001). Urban Sustainable Development. Journal of Environmental Studies, 27, 41-60.

- Bassani. (2007). Five dimensions of social capital theory as they pertain to youth studies. journal of youth studies, 17-34.

- Bramley, G., Dempsey, N., Power, S., & Brown, C. (2006). What is social sustainability and how do our exiting urban forms perform in nurturing it. In Sustainable Communities and Green Futures' Conference, Bartlett School of Planning. London: University College London.

- Colantonio, A. (2008). Measuring Social Sustainability: Best Practice from Urban Renewalinthe EU, Traditional and Emerging Prospects in Social Sustainability. Oxford Institute for Sustainable Development (OISD).

- OISD (2009). Social Sustainability: Linking Research to Policy and Practice. In a. colantonio. Brussels: Oxford Institute for Sustainable Development (OISD) Oxford Brookes University.
- Hodgson, N. (2010). Social Sustainability Assessment Frame Work,. Murdoch: Institute for Sustainability and Technology Policy Murdoch University.
- Littig, B & ,Griebler, E . (2005). BrundtlandCommission (1987) Our Common Future,World Commission on Environment and Development, NewYork .International Journal of Sustainable Development ,65-79.
- Markus, T. (1998). Buildingsas Classifying Devices. Environment and Planning Buildings: Planning and Design voll14, 467-484.
- McKenzie, S. (2004). Social sustainability: towards some definitions. Magill: Hawke Research Institute, University of South Australia.
- Oman, I., Spangenberg, & Joachim H. (2002). Assessing Social Sustainability,The Social Dimensionof Sustainability in a Socio-Economic Scenario. Sustainable Europe Research Institute.6-9 march. 7th Biennial Conference of the International Society for Ecological Economics“ inSousse(Tunisia).
- Polese, M., & Stren, R. (2000). The Social Sustainability of Cities: Diversity and the Management of Change. Toronto: University of Toronto Press.
- Sachs, I. (1999). Social sustainability and whole development: exploring the dimensions of sustainable development. In Sustainability and the Social Sciences: A cross-disciplinary approach to integrating environmental considerations into theoretical reorientation (pp.25-36).
- Sennette, R. (1974). The Fall of Public Man. New York Norton &Company.
- Sinclair, & ,St-Maurice, M. (2009) .Defining and implementing social sustainability at the University of British .Columbia: University of British Columbia,Vancouver Department ofGeography.
- Stuber, R., & Xiang, W. (2010). Assessing regional social sustainability: a case study on the Delmarva Peninsula. the United States.

1 Lisbon
 2 Dempsey
 3 Quality of societies
 4 Hodgson
 5 Rappaport
 6 Gehl
 7 Zhang